



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مبارزات سیاسی

امام محمد باقر علیه السلام

الفدائشوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبارزات سیاسی امام محمدباقر علیه السلام

نویسنده:

الف آشوری

ناشر چاپی:

نشریه مبلغان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مبارزات سیاسی امام محمد باقر علیه‌السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	شیوه‌های مبارزاتی امام باقر
۷	اشاره
۷	تقیه
۸	ترسیم وظایف حاکم اسلامی
۸	نهی از همکاری با حکومت طاغوت
۹	مبارزه رو در رو
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مبارزات سیاسی امام محمد باقر علیه السلام

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۲-۴۶۵۴۹

سرشناسه: آشوری، الف

عنوان و نام پدیدآور: مبارزات سیاسی امام محمدباقر علیه السلام / آشوری، الف

منشأ مقاله: ، مبلغان، ش ۵۰، (ذیحجه ۱۴۲۴ ه. ق): ص ۱۰ - ۱۸.

توصیفگر: محمدبن علی (ع)، امام پنجم

توصیفگر: مبارزات سیاسی

مقدمه

در دوران امام باقر علیه السلام، حاکمان اموی به دلیل تعارضات داخلی از نهضت عظیم علمی آن حضرت غافل بودند، ولی این به معنای در امان بودن آن امام نیست؛ بلکه حجم وسیعی از روایات گویای اوضاع خشونت آمیز آن دوره، و ظلم و تجاوز حاکمان وقت نسبت به دین، مسلمانان و امام آنان است، به گونه‌ای که امام علیه السلام بارها تقیه می‌کرد و سرانجام نیز بر سر تعارضات مبنایی با نظام خلافت ظالمانه، توسط هشام به شهادت رسید. درباره اوضاع سیاسی عصر آن حضرت کافی است، نگاهی به سیمای حاکمان وقت بیاندازیم. ۱. مروان بن حکم: مسعودی می‌نویسد: مؤمنان در عصر او، در خفا به سر می‌بردند و زندگی بر مردم مشقت بار شده بود. شیعیان در معرض خطر جدی بودند و خون و مالشان حرمت نداشت و به علی بن ابی طالب علیهما السلام آشکارا در محافل عمومی دشنام داده می‌شد. [۱]. او به شیوه‌ی معاویه، پسرش عبدالملک را ولیعهد کرد و بر اثر بیماری طاعون در سال ۶۵ ه. ق در دمشق درگذشت. [۲]. ۲. عبدالملک مروان: در سال ۷۳ ه. ق بعد از پیروزی بر ابن زبیر، سلطنت کامل یافت. قبل از خلافت، خود را قرآن دوست معرفی می‌کرد، ولی بعد از خلافت، از مستبدترین خلفا شد. [۳] وی شراب می‌نوشید [۴] و هنگام آغاز حکومت، خطاب به قرآن کریم گفت: این آخرین دیدار من با تو است. [۵]. وی افرادی مثل حجاج بن یوسف ثقفی را بر مردم و شیعیان مسلط کرد. وی می‌گفت: به خدا سوگند از این پس هر کس مرا به تقوا دعوت کند، گردنش را قطع خواهم کرد. [۶] وی در سال ۸۶ ه. ق مرد. ۳. ولید بن عبدالملک: وی باعیش و نوش بزرگ شد و فردی ستمگر و جبار بود. [۷] هرچند در روزگار او مرزهای جغرافیایی اسلام گسترش یافت و اندلس، خوارزم، سمرقند، کابل، طوس و... فتح شد؛ [۸] ولی عناصر خونخواری مثل حجاج در حکومت او صاحب قدرت بودند و در فاصله ۲۰ ساله‌ای که او بر سر قدرت بود، کسانی که با شکنجه در حکومت او کشته شدند، صد و بیست هزار نفر برآورد شده است. [۹]. در همین دوره افرادی مثل سعید بن جبیر به جرم طرفداری از اهل بیت علیهم السلام شهید شد [۱۰] و امام سجاد علیه السلام به واسطه سومی که ولید دستور داده بود، به شهادت رسید [۱۱] و با شهادت حضرت سجاد علیه السلام، امامت به حضرت باقر علیه السلام منتقل شد. ولید در سن ۴۳ سالگی، در سال ۹۶ ه. ق در دمشق مرد. [۱۲]. ۴. سلیمان بن عبدالملک: ابتدا از حاکمیت خدا و رضایت او سخن می‌راند، ولی در عمل مثل گذشتگان خود بود [۱۳] تجمل و ریخت و پاش به گونه‌ای در دوره او رواج یافت که هر طبقه‌ای از مردم، با لباس مخصوص، به حضور او می‌رسیدند. در پرخوری و شکمبارگی بی نظیر بود. [۱۴]. در عصر وی، امر امامت پنهان بود و شرایط اجازه نمی‌داد که شیعیان با امام خود - باقر العلوم علیه السلام - ارتباط علنی داشته باشند. آنان به شدت تحت فشار بودند. [۱۵]. یعقوبی می‌نویسد: عمر بن عبدالعزیز نامه‌ای به امام باقر علیه السلام نوشت تا او را بیازماید. امام به او پاسخ داد. و چون عمر بن عبدالعزیز قبلاً مشاور سلیمان بن عبدالملک بود و از

مکاتبات او خبر داشت، فهمید که جواب امام به او با جوابش به سلیمان متفاوت است. لذا دستور داد نامه امام به سلیمان را پیدا کنند و بیاورند. وقتی نامه را آوردند، دید از هشدارهای امام علیه السلام در نامه به سلیمان خبری نیست، بلکه امام علیه السلام او را مدح کرده است. عمر بن عبدالعزیز به کارگزار خود در مدینه نوشت: محمد بن علی را احضار کن و از این تفاوت در جواب پرس. وقتی از امام باقر علیه السلام از راز تفاوت در جواب نامه‌ها پرسیدند، فرمود: سلیمان فردی جبار و زورگو بود و من ناگزیر بودم در نامه‌ها همان گونه سخن بگویم که مردم مجبورند با جباران سخن بگویند، ولی سرور تو می‌خواهد به شیوه‌ای غیر از روش جباران عمل کند و اقداماتی در جهت کاستن از ظلم و جباریت برداشته است، لذا به گونه‌ای با او سخن گفتم که مناسب وضع اوست. [۱۶]

۵. عمر بن عبدالعزیز: در سال ۹۹ ه. ق به خلافت رسید، گامهایی در کاستن از فشارهای سیاسی، اجتماعی بر شیعیان برداشت، فدک را به اهل بیت برگرداند، [۱۷] به موعظه‌های امام باقر علیه السلام توجه می‌کرد و رسم دشنام دادن به علی علیه السلام را برانداخت. [۱۸] با این همه، غاصب جایگاه امامت بود. حضرت باقر علیه السلام در حق او می‌فرمود: این جوان روزی به فرمانروایی می‌رسد و روش عادلانه از خود آشکار می‌سازد، چهار سال زندگی می‌کند و سپس مرگش فرا می‌رسد. زمینیان بر او می‌گریند و آسمانیان نفرینش می‌کنند. ابوبصیر می‌گوید: پرسیدم: مگر نفرمودید که عدل پیشه می‌کند؟ فرمود: آری! ولی بر جایگاهی که از آن ما و شایسته‌ی ما است تکیه می‌زند، در حالی که هرگز حقی ندارد. بلی! او در جایگاهی که غضب می‌کند به اظهار عدل می‌پردازد. [۱۹]. ۶. یزید بن عبدالملک: با مرگ مشکوک عمر بن عبدالعزیز [۲۰] در سال ۱۰۱ ه. ق، یزید بن عبدالملک، جوان ۲۵ ساله، خلیفه شد و تا سال ۱۰۵ ه. ق خلافت کرد. [۲۱] در این دوره شدیدترین روشها را علیه شیعه به کار بردند و کینه‌ها را نسبت به علی علیه السلام و خاندان او آشکار ساختند. وی از کینه توزان علیه امام باقر علیه السلام بود. [۲۲]. ۷. هشام بن عبدالملک: فرمانروایی اش ۱۹ سال و ۷ ماه طول کشید و در سال ۱۲۵ ه. ق مرد. [۲۳] مردی خشن، درشتخو و مال اندوز بود. بخل، ستمگری و بی عاطفگی از خصوصیاتش بود. [۲۴] نسبت به امام باقر علیه السلام کینه عجیبی داشت. دوران او از نظر سیاسی، سخت‌ترین دوره بر امام باقر علیه السلام بود. تنها در این دوره بود که امام به مرکز خلافت احضار می‌شد. [۲۵] شیعیان نیز به شدت تحت فشار بودند؛ از جمله می‌توان به سرنوشت جابر بن یزید جعفی اشاره کرد، که به دستور امام برای در امان ماندن از شرّ عبدالملک، خود را به دیوانگی زد. [۲۶] شهادت زید بن علی بن حسین علیه السلام در این دوره واقع شد و امام باقر علیه السلام نیز در این دوره به شهادت رسید.

شیوه‌های مبارزاتی امام باقر

اشاره

در چنین فضایی امام باقر علیه السلام برای احیای ارزشهای دینی و انجام وظیفه پاسداری از ارزشها، و به تناسب موقعیت، از راهها و شیوه‌های زیر بهره جست:

تقیه

میزان اهتمام حضرت باقر علیه السلام به تقیه چنان بود که می‌فرمود: «التَّقِيَةُ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي وَ لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَةَ لَهُ؛» [۲۷] تقیه از دین من و دین پدران من است. و کسی که تقیه ندارد، ایمان ندارد. این امر به دلایل متعددی مانند: حفظ جان نیروهای خودی، حفظ توان اقتصادی خودیها، اجرای برنامه‌های مهم‌تر، حفظ ارزشها و... صورت می‌گرفت و امام با رعایت این اصل، حرکت سری خود در تداوم وظیفه امامت را طی می‌کرد. نقل است که حمران نزد امام باقر علیه السلام آمد و گفت: علی بن ابیطالب و حسن و

حسین علیهم السلام تا مرز شهادت و کشته شدن پیش رفتند، نظر شما چیست؟ حضرت فرمودند: «یا حمران! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ كَانَ قَدَّرَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَقَضَاهُ وَأَمْضَاهُ وَحَتَمَهُ ثُمَّ أَجْرَاهُ فَبِتَقْدُمِ عِلْمِ ذَلِكَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله قَامَ عَلَيَّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ بَعِلْمِ صِيَمَتْ مَنْ صَمَّتْ مِنَّا؛ [۲۸]. ای حمران! خداوند پاک و بلند مرتبه، آن برنامه را بر آنان تقدیر و طرح ریزی و امضاء و حتمی نمود و سپس آن را اجرا کرد. پس با مقدم شدن علم آن به سوی آنان از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی و حسن و حسین علیهم السلام قیام کردند. و هر کس از ما سکوت کرد، از روی علم بود.»

ترسیم وظایف حاکم اسلامی

امام می‌کوشید با تبیین وظایف حاکمان، نوک تیز انتقاد خود را متوجه حاکمان وقت سازد و عدم مشروعیت اقدامات آنان را گوشزد کند. مثلاً می‌فرمود: «بَيْنَ الْإِسْلَامِ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ، اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه، ولایت.» زراره پرسید: کدام افضل است؟ فرمود: «الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهَا؛ [۲۹] ولایت برتر است؛ چون کلید آنهاست و والی (امام) راهنمایی کننده بر آنهاست.»

نهی از همکاری با حکومت طاغوت

امام همواره مؤمنان را از همکاری با حکومت طاغوت نهی می‌کرد و به هر طریق ممکن، این پیام خود را به گوش امت می‌رساند. عقبه بن بشیر اسدی می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: من در میان قوم خود از حسبی عالی برخوردار بودم. قوم من در گذشته عریف (معاون و کارگزار) داشتند که جان سپرد. مردم تصمیم گرفتند که مرا به جای او به ریاست بگمارند، نظر شما چیست؟ آن حضرت فرمود: «فَإِنْ كُنْتَ تَكْرَهُ الْجَنَّةَ وَ تُبْغِضُهَا فَتَعَرَّفْ عَلَى قَوْمِكَ وَ يَأْخُذْ سُلْطَانُ جَابِرٍ بِإِمْرٍ مُسْلِمٍ لَسِيْفِكَ دَمِهِ فَتَشْرِكُهُمْ فِي دَمِهِ وَ عَسَى لَا تَنَالُ مِنْ دُنْيَاهُمْ شَيْئاً؛ اگر از بهشت بدت می‌آید و از آن ناخشنودی، کارگزار قوم خود شو؛ زیرا چه بسا سلطان ستمگری، مسلمانی را می‌گیرد تا خونس را بریزد و تو [که گوشه‌ای از کار آن سلطان را بر عهده گرفته‌ای] شریک آنان در خون او خواهی بود، در حالی که ممکن است از دنیای آنها بهره‌ای نبری.» و زمانی که فردی گفت: از زمان حجاج تا حالا والی بوده‌ام، آیا راهی برای توبه هست؟ امام سکوت کرد و بعد از تکرار سؤال، فرمود: «لَا، حَتَّى تُؤَدِّيَ إِلَى كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ؛ [۳۰] نه، مگر اینکه حق هر صاحب حقی را ادا کنی.» یکی از شیعیان به نام عبدالغفار بن قاسم می‌گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: نظرتان در نزدیک شدن من به سلطان و رفت و آمد به دربار چیست؟ فرمود: این کار را برای تو صلاح نمی‌دانم. گفتم: گاهی به شام می‌روم و بر ابراهیم بن ولید وارد می‌شوم. فرمود: «ای عبدالغفار! رفت و آمد تو نزد سلطان سه پیامد منفی دارد: محبت دنیا در دلت راه می‌یابد، مرگ را فراموش می‌کنی، و نسبت به آنچه خدا قسمت تو کرده ناراضی می‌شوی.» عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! من عیالوارم و هدفم از رفتن به آنجا، انجام تجارت است. فرمود: «ای بنده خدا! من نمی‌خواهم تو را به ترک دنیا دعوت کنم، بلکه می‌خواهم گناهان را ترک کنی. ترک دنیا فضیلت است، اما ترک گناه فریضه و واجب است و تو در شرایطی هستی که به انجام واجبات نیازمندتری تا کسب فضائل.» [۳۱]. زمانی هم که مردم برای تبریک گفتن به والی جدید مدینه، به خانه‌اش می‌رفتند، فرمود: خانه والی، دری از درهای آتش است. [۳۲]. همچنین آن حضرت فرمود: «إِنَّمَا عَقَرُ النَّاقَةِ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَلَمَّا رَضُوا أَصَابَهُمُ الْعَذَابُ؛ فَإِذَا ظَهَرَ إِمَامٌ عَادِلٌ فَمَنْ رَضِيَ بِحُكْمِهِ وَ آعَانَهُ عَلَى جَوْرِهِ، فَهُوَ وَائِيه؛ [۳۳]. ناچه [صالح] را یک نفر پی کرد، ولی چون توده مردم به آن راضی شدند، عذاب به همه ی آنها رسید؛ پس هرگاه امام عادل ظاهر گشت، هر کس راضی به حکم او باشد، و او را در عدلش یاری کند، یاور او خواهد بود. زمانی که امام ستمگری ظاهر شود هر کس به حکم او راضی باشد، و او را بر ستمکاریش یاری کند، یاور او خواهد بود.» در جای دیگری آن حضرت

می فرمودند: «قال الله عزَّ وَّجلَّ: لَاَعِدَّ بْنَ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْاِسْلَامِ دَانَتْ بَوْلَايَةِ كُلِّ اِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللهِ وَانْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي اَعْمَالِهَا بِرَّةً تَقِيَّةً وَلاَعْفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْاِسْلَامِ دَانَتْ بَوْلَايَةِ اِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللهِ وَانْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي اَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً؛ [۳۴] خداوند عزیز و جلیل فرموده است: هر کسی را که در اسلام به ولایت پیشوای ستمگری که از جانب خدا نیست - گردن نهند، عذاب خواهم کرد؛ هر چند آن فرد در کارهای خویش نیک و پرهیزکار باشد. و از هر کسی که در قلمرو اسلام به حاکمیت هر امام عادل - که از جانب خداست - تن دهد قطعاً درمی گذرم؛ هر چند آن فرد در کارهای خویش ستمکار و بدکار باشد.»

مبارزه رو در رو

امام باقر علیه السلام از یک سو قیامهای ضد حکومتی مانند قیام زید، مختار، کمیت و... را تأیید می کرد و از سوی دیگر، در موقعیتهای مناسب، خود با خلفا به رویارویی جدی می پرداخت. آن حضرت می فرمود: «مَنْ مَشَى إِلَى سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَمَرَهُ بِتَقْوَى اللهِ وَخَوْفِهِ وَوَعظَهُ كَانَ لَهُ مِثْلُ اجْرِ الثَّقَلَيْنِ مِنَ الْجَنِّ وَالْاِنْسِ وَمِثْلُ اَعْمَالِهِمْ؛ [۳۵] هر کس به سوی سلطان ستمگری برود، و او را به تقوای الهی فرمان دهد، و او را بترساند و موعظه کند، مانند پادشاه جن و انس و مانند اعمال آنان را خواهد داشت.» همچنین آن حضرت مشروعیت حاکمان جور را زیر سؤال می برد و راه را بر قیام علیه آنان هموار می ساخت. امام علیه السلام می فرماید: «انَّ ائِمَّةَ الْجُورِ وَاتَّبَاعَهُمْ لَمَعْرُوْلُونَ عَنْ دِينِ اللهِ؛ [۳۶] پیشوایان ستمگر و پیروان آنها از دین خدا برکنار شده اند.» درباره برخورد امام باقر علیه السلام با خلفا و مبارزه علنی آن حضرت، به نقل مطلبی از امام صادق علیه السلام بسنده می کنیم. امام صادق علیه السلام می فرماید: در یکی از سالها که هشام بن عبدالملک برای انجام مراسم حج به مکه آمده بود، امام باقر علیه السلام هم در مکه بود. امام برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: «سپاس خدایی را که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث کرد و ما را به وسیله او کرامت بخشید. ما برگزیدگان خدا بر خلق اویم و انتخاب شده از میان بندگان وی هستیم. ما خلفای الهی هستیم؛ پس آن کسی که از ما پیروی کند، سعادت مند است و کسی که ما را دشمن بدارد، شقی خواهد بود.» این سخنان به گوش هشام رسید... وقتی به مدینه برگشتیم، به وسیله نامه ای از کارگزارش در مدینه خواست امام علیه السلام را به دمشق بفرستد. وقتی وارد شدیم، سه روز اجازه ورود نداد. روز چهارم وقتی در آستانه ورود قرار داشتیم، هشام - که نفرین خدا بر او باد - به اطرافیانش دستور داد، پس از او هر یک به امام باقر علیه السلام ناسزا بگویند و سرزنش کنند. امام باقر علیه السلام وارد شد و بدون آنکه توجه خاصی به هشام کند، در جمله ای کلی به اهل مجلس گفت: «السلام علیکم»، و بدون اجازه گرفتن از هشام، در جایی مناسب بر زمین نشست... هشام گفت: ای محمد بن علی! همواره یک نفر از شما خاندان، وحدت مسلمانان را می شکند و مردم را به سوی خود فرا می خواند و از روی سفاکت و جهل گمان می کند امام است!! هشام شروع به سرزنش کرد و بعد از وی، یکایک اهل مجلس سخنان توهین آمیزی گفتند. امام باقر علیه السلام ایستاد و فرمود: «ای مردم! به کدام سو می روید و شما را به کجا می برند؟ خدا [نسل] اول شما را به وسیله ما خاندان هدایت کرد و آیندگان شما هم به وسیله ما راه می یابند. اگر شما پادشاهی زودگذر دنیا را دارید، ما در آینده فرمانروایی خواهیم داشت. پس از فرمانروایی ما هیچ حاکمیت و پادشاهی نیست، زیرا ما اهل فرجامیم و خدا فرموده است: «وَالْاَعَابَةُ لِلْمُتَّقِينَ». در پی این سخنان، به دستور هشام، امام را به زندان بردند، ولی در آنجا همگان دلبسته امام شدند و بعد از شکایت زندانیان از این وضع، هشام دستور داد امام باقر علیه السلام و فرزندش امام صادق علیه السلام را نزد وی ببرند. وقتی وارد شدند، هشام و اطرافیانش مشغول تیراندازی بودند. هشام گفت: ای محمد! تو هم با بزرگان قوم من وارد مسابقه شو و تیراندازی کن. امام باقر علیه السلام فرمودند: از من گذشته است، اگر صلاح بدانی معاف باشم. هشام گفت: به حق کسی که ما را با دینش عزت داد و محمد را مبعوث کرد، تو را معاف نمی کنم. امام کمان و تیر را گرفت و نه تیر را پشت سر هم به هدف زد که هر یک در وسط تیر قبلی قرار گرفت و به هدف خورد. هشام گفت هرگز همانند کار تو را ندیده بودم و گمان نمی کنم کسی در روی زمین اینگونه

تیراندازی کند. امام فرمود: ما کمالات و حقایق دین را به ارث می‌بریم؛ همان دین کاملی که خداوند فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» با شنیدن این سخنان، چهره هشام دگرگون شد و سؤالات و اشکالهای متعددی را مطرح کرد و امام علیه السلام پاسخ داد. [۳۷].

پاورقی

- [۱] اثبات الوصیة، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.
- [۲] معارف ابن قتیبه، ص ۳۵۴؛ کامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۷۴.
- [۳] الاعلام، ج ۸، ص ۳۱۲.
- [۴] تاریخ الخلفاء، ص ۲۱۶.
- [۵] همان.
- [۶] همان، ص ۲۱۸ و ۲۱۹.
- [۷] مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۵۷.
- [۸] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۵.
- [۹] مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۶۶.]
- [۱۰] سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۲۲.
- [۱۱] مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۶۴.
- [۱۲] همان، ص ۱۵۶.
- [۱۳] همان، ص ۱۷۴.
- [۱۴] همان، ص ۱۷۵.
- [۱۵] اثبات الوصیه، ص ۱۵۳.
- [۱۶] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۵.
- [۱۷] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۰۷.
- [۱۸] اثبات الوصیة، ص ۱۵۴.
- [۱۹] اثبات الهداء، ج ۵، ص ۲۹۳.
- [۲۰] تاریخ الخلفاء، ص ۲۴۶.
- [۲۱] تاریخ یعقوبی، ص ۳۱۴، مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۹۵.
- [۲۲] اثبات الوصیة، ص ۱۵۴.
- [۲۳] حیاة الحیوان، ج ۱، ص ۱۰۲.
- [۲۴] مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۰۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۸.
- [۲۵] الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۹۱.
- [۲۶] اختصاص، ص ۶۷.
- [۲۷] بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۳۱.
- [۲۸] اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰.

- [۲۹] همان، ص ۱۸.
- [۳۰] بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۹.
- [۳۱] همان، ص ۳۷۷.
- [۳۲] کافی، ج ۵، ص ۱۰۷.
- [۳۳] بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۷.
- [۳۴] همان، ج ۲۷، ص ۱۹۳.
- [۳۵] همان، ج ۷۵، ص ۳۷۵؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۶.
- [۳۶] اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۴.
- [۳۷] همان، ج ۲، ص ۳۷۶؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۶۴؛ اثبات الهداء، ج ۵، ص ۲۷۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

